

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فیش منبر

شیعه واقعی ما

استاد انصاریان



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار =

<http://www.talabeyar.ir>

الحمد لله رب العالمين الصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين حبيب الهنا وطيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلي الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين.

وجود مبارک امام دهم حضرت هادی علیه السلام که بنا به بعضی از روایات امشب شب شهادتشان است و به دست معتمد عباسی با زهر شهید شدند یک نظر بسیار مهمی درباره شیعه دارند.

نگاهی که حضرت به شیعه دارند در کتابهای مهم روایتی ما نقل شده چون متن خیلی متن قوی‌ای است، متن بلندی است، پیش از اینکه عین گفتار حضرت را و کلمات نورانی وجود مقدسشان را برایتان بگویم لازم است یک مقدمه‌ای را عرضه بدارم که این مقدمه جلوی ورود اشکال به ذهن‌ها را بگیرد.

خطراتی که متوجه انسان‌ها بوده و هست دو نوع است، بلاها مشکلات، مصائب، سختی‌ها، رنج‌ها، دو نوع است. یک بلا و مصیبت و مشکل و سختی کارگاه تولیدش خود انسان است، نیازی هم نیست که این مسئله را من خیلی مفصل توضیح بدهم یک شعری ایرج میرزا دارد شعر خیلی خوب است، اما خودش خیلی خوب نبوده، ولی شعرش یک حقیقتی را بیان می‌کند که به صورت‌های گوناگون در تاریخ بشر رخ نشان داده، این جزء بلاهای تولیدی خود انسان است. جزء مصائب و رنج‌ها و مشکلات ساخت خود انسان است.

اتفاقاً قرآن مجید هم به این مسئله اشاره صریح دارد، **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ** (الإسراء، ۷) هر خوبی که انجام بدهید این خوبی بازگشتش به خودتان است **وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا** اما هر کار زشتی که مرتکب بشوید مال مردم را بخورید، زنا کنید، رشوه بگیرید، آبروی مردم را ببرید مال مردم را ببرید این بالاخره آثار سوءش به خودتان برمی‌گردد رهایتان هم نمی‌کند چون آثار گناهان آدم را گم نمی‌کند، یعنی نظام عالم خلقت را پروردگار به گونه‌ای ساخته که آثار اعمال انسان نه گم می‌شود، نه کم می‌شود و نه آدم را رها می‌کند. هیچ‌چی در نظام عالم از آثار عمل گم نمی‌شود.

فرض بکنید اگر قیامت یک میلیون سال دیگر باشد، قرآن مجید در آیات زیادی شاید بیش از صد آیه می‌گوید روز قیامت وقتی اهل عذاب به عذاب دچار می‌شوند ما بهشان می‌گوییم **جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** (الواقعة، ۲۴) این کیفر بدی‌هایی است که همواره تا روز مردنت انجام دادی و گم نشد، رهایت هم نکرد، کم هم نشد.

ایشان در این شعر مثل به یک گناه می‌زند همه گناهان همین است، گناهی که انسان مرتکب می‌شود در حقیقت کارگاه تولید زیان و ضرر و خسارت به پا می‌کند در گناه کردنش، جالب است که خیلی از گنهکاران ضرری که از گناه

دیدند اقرار هم دارند که تقصیر خودمان است، خودشان یک جوان با ادب باوقاری حالا نمی‌دانم بعدا با ادب شده بود، باوقار شده بود سنگین و رنگین شده بود، چند سال پیش در منبر ظهر ماه مبارک رمضان بین دو نماز آمد پیش من، گفت نمی‌دانم من را راهنمایی می‌کنی یا نه و نمی‌دانم من را می‌شود راهنمایی کنی یا نه، ولی من دردم را باید به تو بگویم، چون این یک دردی است اگر به مادرم بگویم ممکن است زودتر از من بمیرد چون من تک پسر هستم، اگر به پدرم بگویم نهایتاً اگر نمیرد سخته می‌کند یا قلبی یا مغزی، چون فشار این مسئله بسیار شدید است. ولی به تو می‌توانم بگویم چون تو نه مادر من هستی که بمیری نه پدر من هستی که از سنگینی مسئله سخته کنی. و آن این است که من در یک سفر خارج در حالی که از خانواده مذهبی هستم می‌دانستم پروردگار عالم به نفع من، به سود من، در قرآن اعلام کرده من هم یکی از آنهایی هستم که به من اعلام شده و لا تقرب الزنا، نمی‌گوید زنا نکنید و لا تفعل الزنا نمی‌گوید زنا نکنید می‌گوید نزدیکش نروید با تلفن، با نامه، با عکس، با نگاه، با حرف زدن نزدیکش نروید.

چون انجام دادن بعد از این است که آدم با وسایل گوناگون خودش را به زنا نزدیک می‌کند ولی قرآن مجید می‌گوید از اول نزدیکش نرو، یعنی از اول نامه قبول نکن، عکس قبول نکن، ارتباط قبول نکن، معاشرت قبول نکن، خب خدا روی محبتش به بندگانش روی لطفش، گفته و لا تقرب الزنا چرا؟ مگر زنا چیست؟ خودش می‌گوید انه کان فاحشاً، این یک عملی است که زشتی‌اش خیلی سنگین است، کلمه فاحشه الف و لام ندارد الفاحشه ندارد در آیه، انه کان فاحشاً، نکره است بی الف و لام است معنی‌اش این است که این کار زشتی‌اش سنگین است، گناهش سنگین است چون خیانت است، هم زن دارد خیانت می‌کند هم مرد، هم جوان هم دختر.

ظلم به روان انسانیت است، ظلم به اخلاق است، ظلم به جامعه است، آلوده کردن دامن پاک است، این برای انه کان فاحشه به این دلیل نزدیک زنا نرو و ساء سیلا، بد راهی است، چرا بد راهی است؟ چون اراده خالق من، سازنده من، نعمت‌دهنده به من، تعلق به این معنا گرفته که اگر من در این راه بیفتم پایان راه دوزخ است، کجا می‌گوید پایان راه دوزخ است در این آیه که نمی‌گوید در این آیه فقط می‌گوید راه بدی است، در سوره فرقان می‌گوید وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (الفرقان، ۶۸) آنی که زنا می‌کند یلق اثاماً، دیدارش با جهنم قطعی است.

گفت من حالا کاری ندارم به مادرم که نمی‌توانم بگویم، به پدرم هم نمی‌توانم بگویم می‌دانستم هم این عمل حرام است، ولی رفتم مرتکب شدم پنج دقیقه ده دقیقه تمام شده، حالا که یک سال است گذشته من در خودم احساس سستی کردم، انگار همه وجودم ناراحت است غیر از پشیمانی، رفتم آزمایش دادم و گفتند کار از کار گذشته شما ایدز گرفتی منتظر مردن باش، من این را به مادرم نمیتوانم بگویم، به پدرم نمی‌توانم بگویم ولی چون تک پسر هستم دلم برای هر دویشان می‌سوزد راهی هست من به آن دو بگویم؟ گفتم نه، آنها را رنجیده خاطر نکن راهی برای نجاتم هست که این راهی که در آن افتادم من را نبرد به جهنم نرساند به جهنم، گفتم بین خود و خدا اگر واقعا پشیمانی و بنا داری دیگر این کار را نکنی، گفت این کار را نکنم؟ من ایدز گرفتم کجا دیگر بروم این کار را نکنم، اما به شدت

پشیمانم بد کردم، از خدا کم گذاشتم، از پدر و مادرم کم گذاشتم، از خودم کم گذاشتم، گفتم تو آمرزیده هستی نگران فردای قیامت نباش، اما این اثر دنیایی زنا از تو رد نمی‌شود این هست. این یک نوع بلا، یک نوع مصیبت که خود آدم با دست خودش سر خودش می‌آورد.

حالا شعر ایرج میرزا را گوش بدهید، این را من کلاس هفتم دبیرستان که بودم یک دبیر ادبیات داشتیم در کلاس خواند من بهش گفتم استاد این را آرام بخوانید ما یادداشت کنیم کلاس هفتم نمی‌دانم حالا کل آن یادم باشد یا نباشد، یکی دو بار دیگر هم در این چهل پنجاه سال خواندم حالا می‌خوانم ببینم کاملش یادم هست. ابلیس این تمثیل است ولی در خارج مشروب‌خورها ضرر تا حالا خیلی به خودشان زدند من در کتابهای پزشکی مطالعه می‌کردم الکل بعد از یک مدتی بالای بیست خسارت که بعضی‌هایش غیرقابل جبران است به بدن وارد می‌کند، به کلیه، به معده، به اعصاب، به چشم، به رگ‌ها، بیست خطر شاید هم بیشتر خب این خطر را خود خورنده برای خودش ایجاد کرده ربطی به خدا ندارد.

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی، آراسته با شکل مهیبی سر و بر را، مثلا به صورت یک دیو خیلی وحشت‌آور آمد بالای سر این جوان، عرض می‌کنم تمثیل است ولی در حقیقت در تاریخ بشر این اتفاقات زیاد افتاده.

گفتا که منم مرگ اگر خواهی زنه‌ار، گفتم من آمدم جانت را بگیرم من مرگ هستم، اگر دلت می‌خواهد که جانت را بگیرم باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را، یکی از این سه تا را باید انجام بدهی. یکیش این است که یک جام شراب بنوشی، این یکیش است، یا بشکنی از مادر خود سینه و سر را، یا آن که بکشی پدر را، یا آن که بنوشی دو سه جامی از این می‌تا رفع خطر کنم تو را برطرف بکنم کاری به کارت نداشته باشم.

گفتا پدر و مادر من هر دو عزیزند، هرگز نکنم ترک ادب این دو نفر را، لکن چو به می‌دفع شر از خویش توان کرد، اگر با خوردن یکی دو جام من را نمی‌بری آن دنیا، نمی‌بری از مرگ من دست برمی‌داری لکن چو به می‌دفع شر از خویش توان کرد، می‌نوشم دو سه جامی و کنم دفع خطر را، نوشید دو جامی و چو شد خیره ز مستی، هم مادر خود را زد و هم کشت پدر را، خب این خطر تولیدی خود انسان است نه ثوابی دارد، نه جلب رضای خدا می‌کند، کیفر دارد دنبالش هم غضب پروردگار است.

قوم غضب الله علیهم، خب این یک نوع بلا، من تا این مقدمه را دقیق برایتان نگویم روایت حضرت هادی درباره شیعه خیلی خوب روشن نمی‌شود. اما بالای دوم، مصیبت دوم، این است که من گناه نکردم، گناه نمی‌کنم، از گناه متنفر هستم، البته گاهی اینی که می‌گویم قول امیرالمومنین است گاهی ممکن است یک لغزش کوچکی پیدا بکنم گاهی، یک سال است به نامحرم نگاه کردم حالا از روی عمد یک گوشه چشمی می‌اندازم و صورتم را برمی‌گردانم و پشیمان می‌شوم می‌گویم کار بدی کردم خدایا من را ببخش، من کاری نکردم ولی در کنار من یا در خانه، یا در اقوام، یا در

مردم، یا در حکومت در هر روزگاری کسانی هستند که به من ظلم می‌کنند، چه نوع ظلمی؟ ظلم چند نوع است، این ظلمشان به این خاطر است من حالا ظلم‌های دیگر را کار ندارم چون با روایت تناسب ندارد، به من ظلم می‌کنند و رنگ و لعاب هم به این ظلم می‌دهند، آرایشش می‌کنند زیباسازی‌اش می‌کنند، برای اینکه من از ارزش‌هایی که خدا به من توفیق داده به دست آوردم دست بردارم. دیندار هستم می‌خواهد من بی‌دین بشوم، آدم پاکدامنی هستم می‌خواهد نجس دامن بشوم، آدم خردمندی هستم می‌خواهد عقلم را از کار بیندازد، آدم حلال‌خوری هستم می‌خواهد حرام‌خورم بکند فشار اینها هم خیلی شدید است چون همش لذت است. این هم یک خطر.

حرف وجود مبارک حضرت هادی این است آنی که شیعه واقعی ماست در کنار امواج این نوع ظلم‌های ریشه‌کن کننده دین، بلاهای ریشه‌کن کننده ارزشها، بلاهایی که می‌خواهد انسان را از بندگی خدا دریاورد و بنده شیطانش بکند، تشیع برای شیعیان ما قلعه مصونیت است. یعنی آنی که شیعه واقعی است بلاها سرش می‌آید، مصیبت‌ها سرش می‌آورند، تنگناها برایش ایجاد می‌کنند، ولی به خاطر شیعه بودنش در برابر این بلاها و مصائب و خطراتی که متوجه دین و اخلاق و ارزش‌ها و عملش است ایمنی دارد، مصونیت دارد، نمی‌گوید شیعه ما بلا نمی‌بیند، تمام انبیاء بلا دیدند بلا را هم ستمگران سرشان آوردند. این نوع بلاهایی که دیگران سر آدم می‌آورند تنگناهایی که ایجاد می‌کنند، زندان می‌برند، تبعید می‌کنند، شکنجه می‌دهند، کتک می‌زنند، به دار می‌کشند، می‌کشند این نوع بلاها موسی بن جعفر را می‌برند زندان، امام هادی را تبعید می‌کنند سامره و در خانه حصر خانگی می‌کنند، میثم تمار را به دار می‌کشند، رشید حجری را می‌کشند، عمر بن عمد خزائی را سر می‌برند، زید بن علی را به دار می‌کشند چهار سال اجازه نمی‌دهند جنازه‌اش را بیاورند پایین.

اینها برای آدم مومن ثواب دارد، اینها برای آدم مومن پاداش‌های عظیم الهی دارد ما در متن قرآن می‌خوانیم **وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (البقرة، ۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (البقرة، ۱۵۶) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ (البقرة، ۱۵۷)**، بندگان مومن من که از دیگران بلا می‌بینند، گرسنگی می‌کشند، پولشان را می‌برند مشکل برایشان ایجاد می‌کنند، جوانشان را به کشتن می‌دهند اینها از جانب من صلوات و رحمت نصیبشان می‌شود. خب این صلوات و رحمت در کربلا به چه کیفیتی به حضرت سید الشهداء و هفتاد و دو نفر رسید که همه را قطعه قطعه کردند.

ثواب تبعید امام هادی و در محاصره کشیدنش که صلوات خدا و رحمت خداست به چه کیفیت بوده؟ آیا قابل درک است؟ ابد، لذا مومنین تاریخ در مقابل تمام این رنج‌ها صبر کردند که دینشان را نگه دارند، اینها پاداش دارند، نمی‌گوید شیعیان ما این بلاها را از ستمگران دنیا نمی‌بینند، خب وقتی می‌آیند حمله می‌کنند به شهرهای شیعه‌نشین سوریه عراق، به شیعیان افغانستان، آمریکایی‌ها داعشی‌ها، انگلیسی‌ها فرانسوی‌ها، می‌کشند، می‌سوزانند، قطعه قطعه

می کنند، و اینها حاضر نیستند دینشان را با دشمنان خدا معامله بکنند بهترین پاداش را دارند، این بلاها سر شیعه می آید اما بلای بی دین شدن، بلای بی نماز شدن، بلای بی حجاب شدن، بلای رباخوری، سر شیعه نمی آید. آنی که شیعه واقعی است امام هادی می خواهند بفرمایند از همه این خطراتی که به دین می زند در امنیت هستند.

حالا متن گفتار خود حضرت را ملاحظه بکنید. چه متن پر قیمتی است، سهل بن یعقوب یکی از اصحاب امام هادی است، شیعه است و شیعه واقعی است، شیعه مثل کوه است، امیرالمومنین شیعه را در نهج البلاغه مثل می زند به کوه پابرجا، المومن کالجبل الراسخ، شیعه عین کوه دماوند است، عین کوه هیمالیا است، عین کوه سبلان است، لا تحرکه العواصف، هر چی طوفان می خواهد بیاید دماوند و سبلان و هیمالیا می خندند به طوفان، هر چی باران می خواهد بیاید، برف می خواهد بیاید دو متر سه متر برف می آید سبلان آب می شود گم می شود در زمین کوه سر جایش ایستاده، اگر برف کمر سبلان را بشکند وقتی دارد حد می شود سبلان بهش می خندد، می گوید پشمکی تو را به شکستن کمر من کوه چه؟ کجای کار هستی؟ چقدر وزن است؟ دانهات چقدر حجم دارد؟ چقدر قدرت زدن دارد؟ کوه شیعه ما کوه است.

به خصوص شیعه در این روزگار بنا به فرموده پیغمبر و اهل بیت، من از خودم نمی گویم نمی خواهم دلگرمتان بکنم با حرفهای خودم، من روی هیچ منبری حرفی را از خودم نداشتم، فارسی هایی هم که می گویم یا مقدمات علمی است، یا عرفانی است، یا برگرفته از آیات است، شیعه در این روزگار که پیغمبر و امیرالمومنین از شان خبر داده از شیعیان طول تاریخ تشیع ارزش شان بیشتر است چون این همه بلا را شیعیان گذشته نداشتند، این همه فساد روزگار گذشته برای شیعیان نبود، این همه جاذبه گناه برای شیعیان نبود، این همه برنامه های شهوانی برای شیعیان گذشته نبود شیعه الان از خانه که می آید بیرون تا شب که برگردد خانه به هر نوع فساد چشمش می افتد، فساد هم با قدرت می خواهد بکشد نمی رود، این خیلی آدم با قیمتی است، خیلی.

امیرالمومنین در خطبه قاصعه نهج البلاغه می فرماید ابلیس شش هزار سال خدا را عبادت کرد، و حضرت می گوید شماها نمی دانید این شش هزار سال سالهای سیصد و شصت و پنج روز است یا نه سالهای دنیا نیست، نمی دانید. ولی بعد از شش هزار سال باخت خودش را شکست خورد، کمرش شکست، رفوزه شد، شیعه زمان ما ده بیست سال است دارد عبادت می کند، سی سال است دارد عبادت می کند، ابلیس در مقابل ارزش آدم قرار گرفت و تکبر کرد و شکست خورد، یک فقط قرار گرفتن در برابر یک ارزش آدمی بود شیعه الان در مقابل این همه فسادهای گوناگون، متنوع، جورواجور، جاذبه دار، ولی شیعه مانده است. این را باید دستش را بوسید. واقعا باید بوسید.

پنج روز پیش از استرالیا یک ایمیلی برای من آمد به موسسه مان در قم، که تازه آمده بود یعنی شاید ده دقیقه یک ربع بود آمده بود ایمیل مدیر موسسه آورد داد به من گفت ببینید جواب این را چی باید بنویسیم؟ من گفتم این یک

کلمه را بنویسید گفت نه خودتان با خط خودتان بنویسید ما هم همین الان این را ایمیل می‌کنیم به استرالیا، پنج دقیقه بعد دستشان است. نوشته بودند یکی دو سال است روزهای یکشنبه ما یک مشت جوان هستیم، جوان پسر و دختر، جلسه مذهبی سرپا کردیم در استرالیا، در بخش اقیانوسیه در یک قاره دیگر، و هر روز یکشنبه یک سخنرانی از سایت برمی‌داریم حالا سخنرانی قبلی برای شهادت صدیقه کبری بود، که خیلی سخنرانی فوق‌العاده‌ای هم بود همین سخنرانی‌های این شبها هم دو ساعت و یک ساعت بعد می‌رود روی سایت و همه دنیا هم می‌توانند بردارند این سخنرانی را، گفتند ما هر بار سخنرانی جدید روی سایت را برمی‌داریم در جلسه صوتش را پخش می‌کنیم، تصویرش را پخش می‌کنیم، اینجا با این سخنرانی‌ها ما تقویت دینی می‌شویم، پابرجا می‌شویم، توضیح حرفشان را می‌گوییم، ماندگار می‌شویم، دست از علی بر نمی‌داریم، دست از قرآن بر نمی‌داریم، مخصوصا دست از سیدالشهدا بر نمی‌داریم ولی یک سال کامل الان این سخنرانی‌ها پخش شده یک سال یعنی پنجاه و دو سخنرانی هر هفته.

ما پیش خودمان نشستیم گفتیم سخنران چقدر می‌رود مطالعه می‌کند، زحمت می‌کشد، جان می‌کند بهترین مطالب را تنظیم می‌کند می‌آید می‌گوید، این درست است ما اینجا مفتی گوش بدهیم؟ بعد نوشته بودند ما در حد بضاعت دانشجویی‌مان به پول استرالیا یک سال است پول روی هم گذاشتیم شده دو میلیون تومان، به موسسه نوشته بودند شماره حساب ایشان را بدهید ما برایشان بریزیم که مفت خود ندانیم این سخنرانی‌ها را.

من به مدیر موسسه گفتم بنویسید ایشان شماره حساب ندارد گفت خب این را خودتان بنویسید، من نوشتم زیر همان ایمیل بسم الله الرحمن الرحیم، سلام به همه شما، برای موفقیتتان، پابرجایی‌تان ثابت قدمی شما دعایتان می‌کنم، و اما از من شماره حساب خواستید از لطف‌تان واقعا تشکر می‌کنم دلتان نخواستہ گوش دادن سخنرانی‌ها برایتان مفت و مجانی باشد، یک سال است هر کدام چقدر روی هم گذاشتید شده دو میلیون تومان، حساب از من خواستید شماره حساب من این است، سیدالشهدا حسین بن علی. این شماره حساب من است. و من از شما تقاضا می‌کنم که این دو میلیون تومان را در این یک سال آینده هر جای جلسه‌تان برای ابی‌عبدالله، برای امیرالمومنین خرجی دارد خرج بکنید، این را خرج بکنید. این ایمیل برایشان رفت و بعد نوشتند که دو سال است من را استرالیا دعوت کردند نشده بیایم اما اگر آمد استرالیا و آمدم در جلسه‌تان یا همه شما آمدید پیش من، حتما باید آماده باشید که من دست تک تک شما را ببوسم.

خب در استرالیا در تهران، در شیراز، در اصفهان که بستر هر نوع گناهی برای شما جوان‌ها، برای شما مردها، برای شما خانم‌ها، دختر خانم‌ها پهن است با امیرالمومنین ماندید، با صدیقه کبری ماندید، با حضرت سیدالشهدا ماندید، نباید دست شما را بوسید؟ باید بوسید.

سهل بن یعقوب می گوید یابن رسول الله خیلی نحسی در این زمان ماست، نحوست جمع است خیلی نحسی، و خیلی زیان و ضرر و شر در این زمانی است که حاکمانش حاکمان بنی عباس هستند، یابن رسول الله اصلا نمی شود این طرف و آن طرف رفت، اگر یک وقتی ضرورت پیش آمد که ما این طرف و آن طرف برویم و در امان باشیم چی کار باید بکنیم که گیر زنا نيفتيم، گیر ربا نيفتيم، گیر دولت بنی عباس نيفتيم، گیر گناهان ديگر نيفتيم، گیر نفاق نيفتيم وضع خیلی سخت است یابن الرسول الله.

پاسخ حضرت هادی یا سهل ان لشیعتنا بولایتنا لعصمة، آنی که شیعه واقعی ما و زیر چتر ولایت و محبت و امامت ماست پناهگاه دارد، چرا نمی توانید این طرف و آن طرف بروید، اگر شیعه واقعی هستید ضرر نمی کنید، خطر به دینتان نمی خورد، خطر به عبادتتان به ارزش هایتان نمی خورد، لو سلکوا بها فی لجة البحار الغامرة، اگر با سرمایه ولایت ما و شیعه بودنتان در دل امواج پر عمق دریاها بروید، اگر در دوردست ترین بیابانها بروید و در این بیابانها بین ضباع و ذئاب و اعداء الجن و الانس، اگر از لابه لای گرگها، نه این گرگهای حیوانی، یعنی گرگهای دوپا، اگر از لابه لای درندگان بروید، اگر از بین دشمنان جن و انس حرکت بکنید، لامنوا من و خاوفهم، از خطرات اینها با ولایت ما در امان هستید چون شما تنها نیستید ما با شما هستیم، چون ما در قنوت های نمازتان شما را دعا می کنیم.

من یک دعایی هم از حضرت از قنوتشان نوشتم که حالا نمی رسم بخوانم غوغاست این دعای قنوت حضرت هادی که تک تک شیعه را مرد و زن را مورد توجه قرار دادند، ای سهل بن یعقوب تو شیعه هستی ما هم قبولت داریم، به خدا توکل کن و این شیعه بودندت را خالص قرار بده و نگذار چیزی قاطی آن بشود. گناه اگر قاطی آن بشود آن دیوار تشیع تو را خراب می کند و توجه حیث شئت، هر جا می خواهی بروی برو، ضرر دینی نمی کنی. و اقصا ما شئت هر کاری دلت می خواهد بین این همه گرگان و درندگان و دشمنان انجام بده ضرر نمی کنی، ما پشتوانه شما هستیم. ولایت ما پشتوانه شماست واقعا.

یکی از دوستانم که از اولیاء خدا بود به من گفت من یک وقتی خوشم آمد از برخورد این درویش های خانقاهی با همدیگر، که همدیگر را که می دیدند با محبت می گفتند یا علی، یا علی مدد، علی یارت، گفت من از این خوشم آمده یعنی یک میلی به طرف اینها پیدا کرده بودم، گفت رفتم نجف در حرم امیرالمومنین بالای سر آن وقتها هم خیلی خلوت بود ایستادم، یک دو رکعت نماز دلچسب خدا را خواندم نه خودم، چون نماز دلچسب خودم که می شود نماز خودم، یک نماز دلچسب خدا به من می گفت فلانی اینی که من دارم برای شما می گویم چهل و پنج سال پیش برای من گفت، او از دنیا رفته انسان عجیبی بود، گفت بالای سر امیرالمومنین رکعت اول رکوع که رفتم خواستم از رکوع بلند شوم گفتم یا علی، خب از حرم آدم خانه و شام خوردم و خوابیدم و خواب دیدم خدمت پیغمبر و امیرالمومنین هستم، دیدم پیغمبر دارد لبخند می زند به امیرالمومنین می گوید علی جان میرزا درویش شده دیدی امشب در رکوعش گفت یا علی، از رکوع که آدم بلند می شود چی باید بگوید؟ سمع الله لمن حمده، امام هادی فرمود سهل بن

يعقوب شيعه واقعي باشي هيچ خطري متوجه تو نيست اگر يك وقت هم بخواهد بهت بزند ما پشتوانه شما هستيم، ما دعاگوي همه شما هستيم.

من در سم خوردن ائمه اين جمله را نديدم كه درباره امام هادي ديدم، امام هادي در جواني بهش سم دادند قوي هم بود از نظر بدني، ولي امروز در روايات ديدم كه وقتي سم خورده شد ايشان ديگر طاقت نشستنش از دست رفت افتاد، خيلي طول نكشيد كه از سر تا نوک پا سم اثر در تمام بدن گذاشت و حضرت شهيد شد. وجود مبارك امام يازدهم حضرت عسكري خب بايد بدن را غسل مي دادند، يابن رسول الله شما بدن پدر را غسل داديد آيا از پيشاني پدر تا نوک پا زخمي ديديد؟ جراحتي ديديد؟ نه، اما خواهر چي كار كرد؟ نمي دانم خواهر چي كار كرد ولي يك روايت الان به ذهنم آمد آن را براي تان بگويم گرچه طاقت گفتنش را ندارم.

به امام صادق عرض كرد يابن رسول الله در ما شيعه ها معروف است كه هزار و نهصد و پنجاه زخم به بدن ابی عبدالله خورد، اما يابن رسول الله حجم يك بدن جای هزار و نهصد و پنجاه زخم را ندارد، واقعا هم ندارد حالا شما بگو يك بدن صد تا زخم بهش خورده، اما هزار و نهصد و پنجاه تا چطور؟ امام صادق فرمود اين زخم ها کنار هم نبود زخم روی زخم زدند و ابی عبدالله را قطعه قطعه كردند.